

خطر از بین رفتن بینایی یک بازداشتی

اسماعیل گرامی مقدم از مشکلات بینایی صدیقه وسمقی در بازداشت میگوید

مهدی بیک اوغلی

26 اسفندماه بود که خبر بازداشت صدیقه وسمقی محقق و اسلام پژوه ایرانی منتشر شد. چهره‌ای که فعالیت‌های خود را از سال 59 با روزنامه‌نگاری در روزنامه اطلاعات آغاز کرد و پس از آن دامنه وسیعی از مشاغل و سمت‌ها از عضویت در دوره اول شورای اسلامی شهر تهران تا عضویت در هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی را پشت سر گذاشت.

فارغ از ابعاد حقوقی پرونده صدیقه وسمقی که در حیطه بررسی‌های حقوقی و قضایی قرار دارد، موضوعی در خصوص وسمقی وجود دارد که لازم است در خصوص آن صحبت شود. بر اساس اعلام خانواده وسمقی، او از بیماری اختلال شبکیه چشم رنج می‌برد و پس از بازداشت به دلیل عود شدن بیماری، دید مرکزی او از بین رفته است. با توجه به تأکیدات موکد رییس دستگاه قضایی و سایر مسوولان کشورمان بر صیانت از حقوق افراد به نظرم می‌رسد لازم است هرچه سریع‌تر در خصوص این بانوی ایرانی مطابق قانون رفتار شود.

اسماعیل گرامی مقدم که او نیز از نابینایی دید مرکزی رنج می‌برد و در دهه 80 خورشیدی بیش از 5 ماه را در زندان انفرادی به سر برده، در گفت‌وگو با اعتماد ضمن اشاره به ابعاد دردآور بیماری اختلال شبکیه چشم از مقامات مسوول می‌خواهد که نسبت به آزادی هرچه سریع‌تر صدیقه وسمقی اقدام کنند. گرامی مقدم با تشریح حس و حال فرد نابینا پس از ورود به بازداشتگاه و زندان می‌گوید: « وقتی یک انسان سالم وارد زندان یا انفرادی می‌شود، نخستین فشاری که متحمل می‌شود، استرس شدید است. به گفته پزشکان، این استرس به نقاط حساسی از بدن حمله می‌کند که نخستین بخش آن، چشم و شبکیه افراد است. به

همین دلیل است که در روزهای ابتدایی زندان، اغلب افراد از درد چشم، سردردهای شدید و تنگی نفس صحبت میکنند. برخی از این فشارها آنی هستند و برخی تا مدتها پس از آزادی همراه فرد است. «او در ادامه می‌گوید: «با ورود فرد نابینا به سلول، سردردهای شدید، تپش قلب بالا و خطرناک، استرس فراوان و مشکلات تنفسی به سراغ فرد می‌آید. در این حالت امکان وقوع هر فاجعه ناخواسته‌ای وجود دارد.»

گرامی مقدم به نقل از همسر و سمعی اعلام می‌کند که او دید مرکزی خود را به‌طور کامل از دست داده است. اعتماد در راستای پیگیری وظایف انسانی و اخلاقی و با عنایت به همراهی مسوولان قضایی در موارد اینچنینی این گزارش را مهیا کرده تا کمکی به تحقق مطالبات فردی شود که فشار بسیاری را متحمل می‌شود. اعتماد بدون اینکه قضاوتی درباره پرونده ایشان داشته باشد و داوری خاصی درباره دیدگاه‌های و سمعی صورت دهد، در این گزارش از منظر انسانی و اخلاقی به مطالبات یک بازداشتی معلول پرداخته که مطابق قانون نباید در بازداشت نگه داشته شود.



درباره مشکل کم‌بینایی صدیقه و سمعی مسائلی را مطرح کردید می‌فرمایید این مشکلات تا چه اندازه جدی است؟

40 روز است که از بازداشت سرکار خانم صدیقه و سمعی می‌گذرد، امروز که برای چندمین بار با خانواده و همسر محترم ایشان صحبت کردم، متوجه شدم که نگرانی‌های بسیاری درباره ایشان وجود دارد. مستحضر هستید که خانم و سمعی به جرم تبلیغ علیه نظام در بازداشت به سر می‌برند؛ 2 عنوان جرمی درباره ایشان وجود دارد که نخستین مورد اعلام عمومی عدم شرکت در انتخابات و مورد بعدی هم مرتبط با نظراتی بوده که ایشان در خصوص حجاب اجباری مطرح کرده‌اند. این دو گزاره به عنوان تبلیغ علیه نظام جمع‌بندی و پرونده‌ای علیه ایشان تشکیل شده است. فارغ از دیدگاه‌های مطروحه که به‌طور طبیعی باید در دادگاه به

آن رسیدگی شود و صحبت درباره آن از عهده صلاحیت من و امثال من خارج است، هر زندانی از حق و حقوقی برخوردار است. شخصا از خانواده‌ای مذهبی هستم، خودم و خانواده‌ام باور به حجاب داریم و از آن دفاع می‌کنیم، البته استفاده از رویکردهای سلبی و اجباری را در بحث حجاب مغایر دین مبین اسلام می‌دانیم. خانم دکتر وسمقی در حوزه فقهی و دینی تحصیلات و آثار علمی و تحقیقاتی بسیاری دارند و سال‌ها عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران بوده‌اند. ایشان دیدگاه‌هایی را در خصوص حجاب دارند که تحلیل این دیدگاه‌ها چه از منظر قانونی و چه از منظر فقهی و دینی کار افراد متخصص و قضات است. اما بحثی که من قصد دارم درباره آن صحبت کنم، بحث انسانی، دینی و اخلاقی و در راستای سلامتی ایشان است.

شفاف‌تر توضیح می‌دهید، آیا خطری سلامتی خانم وسمقی را تهدید می‌کند؟

روشن است که صدیقه وسمقی دارای اختلال شبکه چشم بوده و سال‌ها به عنوان یک خیر فعال در رسیدگی به امور نابینایان در موسسه RP که در زمینه اختلال‌های شبکه چشم فعالیت می‌کند حضور داشته است. ایشان سال‌ها به عنوان مدیرعامل این موسسه برای کمک به بیماران نابینا حضور داشته و پس از آن عضو افتخاری این ساختار بوده است. شواهد بسیاری وجود دارد که می‌گوید طی 40 روز اخیر برخوردهای قانونی و شرعی در خصوص سلامتی ایشان صورت نگرفته است. همان قانونی که می‌گوید، وسمقی جرمی مرتکب شده و باید در دادگاه صالحه به آن رسیدگی شود به صراحت می‌گوید با فردی که دارای معلولیت است و از منظر فیزیکی توان تحمل کیفر را ندارد باید به گونه دیگری برخورد شود. ایران به کنوانسیون جهانی حمایت از معلولان پیوسته و مفاد این قوانین باید رعایت شود.

10 روز است که از انتقال صدیقه وسمقی به بیمارستان فارابی جهت انجام معاینات چشمی می‌گذرد؛ البته اظهار من‌الشمس بود که خانم وسمقی دچار اختلال شدید شبکه هستند. اما به هر حال مسوولان برای اطمینان بیشتر و قطعیت افزون‌تر اقدام به اعزام ایشان کردند. روشن است که با این وضعیت نمی‌توانند تحمل کیفر زندان و انفرادی را داشته باشند و طی این 10 روز مطابق قانون می‌بایست ایشان آزاد می‌شدند.

شما خودتان با چالش‌هایی در بینایی‌تان روبه رو هستید و تجربه دستگیری و زندانی شدن هم داشتید. می‌فرمایید، تحمل کیفر زندان بدون بهره‌مندی از بینایی به چه معناست؟

هرچند صحبت کردن درباره دوران انفرادی و زندان واقعا سخت است، اما به نظرم خوب است مخاطبان بدانند درباره چه موضوعی صحبت می‌کنیم. وقتی يك انسان سالم وارد زندان یا انفرادی می‌شود، نخستین فشاری که فیزیکی و روان او متحمل می‌شود، استرس شدید است. به گفته پزشکان، این استرس به نقاط حساسی از بدن حمله می‌کند که نخستین بخش آن، چشم و شبکیه افراد است. به همین دلیل است که در روزهای ابتدایی زندان، اغلب افراد از درد چشم، سردردهای شدید و تنگی نفس صحبت می‌کنند. برخی از این فشارها آنی هستند و برخی تا مدت‌ها پس از آزادی همراه فرد است. در این شرایط ورود فرد نابینا یا کم‌بینا به زندان، فشار احتمالی را به چشم و سایر نقاط حیاتی فرد وارد می‌سازند. فردی که کم‌بینایی شدید دارد و وارد زندان (چه بند انفرادی و چه بخش عمومی) می‌شود عملا تمام ارتباطات و حواس او با خارجی قطع می‌شود. مانند يك موجود زنده بی‌تحرک در قفس باقی می‌ماند. تنها امکان ارتباط هر فردی با محیط چشم است؛ در سلول انفرادی گوش ندارید، چرا که تلویزیون و رادیو و ماهواره و... وجود ندارد. فردی هم همراه شما نیست که بخواهید با او مکالمه کرده و گفت‌وگو کنید. تنها راه باقی مانده ارتباطی که افراد از طریق آن با جهان پیرامونی ارتباط می‌گیرند، چشم است که از طریق آن قرآن و مفاتیح و... خوانده می‌شود یا به چهاردیواری انفرادی نگاه می‌شود. وقتی فردی دچار نابینایی و کم‌بینایی باشد عملا همه مسیرهای ارتباطی او با جهان مسدود می‌شود. در این شرایط سردردهای شدید، تپش قلب بالا و خطرناک، استرس فراوان و مشکلات تنفسی به سراغ فرد می‌آید. در این حالت امکان وقوع هر فاجعه ناخواسته‌ای وجود دارد. خانم وسمقی در این شرایط قرار دارد و با توجه به رویکرد دستگاه قضایی برای حفاظت از شهروندان، لازم است به معلولیت چشم ایشان توجه شود.

این فشارها آیا مشکلی را برای خانم وسمقی به وجود آورده است؟

بر اساس اعلام خانواده، خانم وسمقی طی 40 روز اخیر، بینایی مرکزی خود را از دست داده است. با توجه به اینکه شخصا تجربه از دست دادن دید مرکزی در زندان را دارم، می‌دانم برای فرد بیمار حضور در زندان چه اندازه تجربه دردناک و سنگینی است. البته ایشان در بند عمومی حضور دارند و بند عمومی و حیاط پر رفت و آمد و شلوغ است. معلولیت چشمی ایشان ممکن است باعث بروز مشکلات جدی شود. ممکن است دربی باز گذاشته شود و این درب به سر فرد کم‌بینا یا نابینا بخورد. از این دست خطرات به کرات برای يك فرد نابینا در زندان

وجود دارد. خطر برخورد با لبه‌های دیوار، درب‌های آهنین و... همچنان وجود دارد. ای کاش مسوولان قبل از وقوع فاجعه راه‌های پیشگیری را مرور می‌کردند.

شما پس از حضور در زندان بینایی مرکزی خود را از دست داده‌اید؟

بله، متأسفانه به دلیل فقدان رسیدگی کافی، من هم دید مرکزی‌ام را در زندان از دست دادم. شخصا مطلع هستیم که ایشان قبل از حضور در زندان، دید مرکزی داشتند، اما پس از حضور در زندان این مشکلات در بینایی ایجاد شد و دید مرکزی ایشان از دست رفت. با توجه به معلولیت ایشان در بینایی، مسوولیت زندانبان‌ها و متولیان امر در خصوص نگهداری ایشان بسیار دشوار خواهد بود. وقتی يك زندانی نابینا در میان زندانبان‌بنا قرار می‌گیرد، همواره از سوی محیط که می‌تواند دیوار، درب، دیوار یا انسان‌های دیگر باشد مورد تهاجم قرار گیرد. چرا که فرد نابینا یا کم‌بینا درک درستی از محیط ندارد. وجود کوچک‌ترین مانع بر سر راه ایشان ممکن است خطرات بسیار زیادی از جمله ضربه مغزی را داشته باشد. شنیدم خانم وسمقی درخواست يك مددکار (فردی که همراه ایشان باشد و برای انجام امور راهنمایی کند) داشته که با این درخواست ایشان موافقت نشده است. باید بدانیم که زندانی سیاسی یا عقیدتی با پای خود به زندان نمی‌رود، بلکه از سوی حاکمیت فراخوانده می‌شود. بنابراین مهم است که به نیازهای زندانی مطابق قانون جواب داده شود.

به عنوان يك فعال سياسي به نظر شما در این پرونده چه راهبردی باید در پیش گرفته شود؟

بر اساس قانون با توجه به معلولیت چشمی شدید ایشان، هرچه سریع‌تر باید فرمان آزادی ایشان صادر شود. در اینگونه موارد از مجازات‌های جایگزین برای فرد استفاده می‌شود. در این پرونده هم جزای نقدی راهکاری است که می‌تواند مثمرتر باشد. شخصا 6 سال حبس داشتم که پس از 6 ماه، جریمه نقدی جایگزین آن شد. نباید فراموش کرد که مسوولیت نگهداری خانم وسمقی با مخاطراتی که پیش روی ایشان وجود دارد با مسوولان زندانی و مسوولان قضایی است. چه از منظر حقوق بشر و قانون اساسی، چه از نظر رافت اسلامی و چه از منظر شریعت اسلامی و قانون مجازات اسلامی، نگهداری ایشان قطعاً خلاف این اصول بوده و قطعاً باید آزاد شوند. امیدوارم مسوولان قضایی و ضابطان با رافت اسلامی و انسانی برخورد کرده و زمینه آزادی ایشان را فراهم سازند. به‌طور کلی باید از اقداماتی که ممکن است منجر به وقوع فاجعه شود

خودداري کرد. در اين خصوص آزادي وسمقي مي‌تواند از وقوع فاجعه
جلوگيري کند.

□□□□□□ 1403 □□□□□□□□ 6 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□